

« هر جمعه، یک دقیقه با وحی: » (شماره: ۸)

« از خودبیگانگی »، « أم الفساد » و « خودشناسی »، « مهمترین تکلیف » است:

« مردم جهان » به خاطر « سلطه جاهلین و ظالمین » از « تعالیم نورانی انبیاء الهی »، « دور » مانده و لذا غالب آنها « بیشترین انرژی » خود را (در خانواده و جامعه) برای « شناخت دیگران » و « مراقبت از دیگران » و « اصلاح و آدم کردن دیگران » صرف می کنند. لذا متأسفانه غالب مردم از شناخت، مراقبت، اصلاح، رشد و هدایت « خود »، « غافل » مانده و به خاطر « تصور غلط از خودشان » به بیماری: « خودبزرگ بینی » و « خودکم بینی » و « سلطه گری » و « سلطه پذیری » و « انواع رذائل » آلوده و گرفتار شده اند.

در حالیکه انبیاء و اولیاء الهی و قرآن، مردم را به « خدانشناسی » هم دعوت نکرده اند و با اینکه قرآن، « تکالیف زیادی » را برای مردم « واجب » نموده، اما مردم (و خصوصاً مسلمانان را) برای اینکه به « خودشناسی » نمی پردازند « بازخواست » می کند و می فرماید:

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؟ (ذاریات/۲۱) (چرا با دقت در خود نمی نگرید و خود را کشف نمی کنید؟)

قرآن « مبلغین » را برای « از خودغافل » بودن (و تقدم ارشاد دیگران به اصلاح خود) « مذمت » می کند و « ترجیح هدایت دیگران » بر « اصلاح خود » را نشانه « بی تعقلی » می داند:

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ... أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟ (بقره/۴۴)

(آیا مردم را به نیکی فرامی خوانید اما خود را فراموش می کنید؟ پس چرا تعقل نمی کنید؟)

قرآن « سرنوشت » و کارنامه، هدایت، ضلالت، خوش وقتی، بدوقتی و سعادت یا شقاوت و بهشتی یا جهنمی شدن هر فرد را فقط به اختیار و انتخاب و عملکرد خود او نسبت می دهد و اهل ایمان را به « خودشناسی » و به « مراقبت و اصلاح فقط خودشان » فرامی خواند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا! عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ... (مائده/۱۰۵)

{ای اهل ایمان؛ فقط به (شناخت و هدایت و مراقبت) از خود بپردازید، (زیرا) اگر هدایت شده باشید،

هیچ گمراهی، به شما زیان و آسیبی نمی رساند ...}